

(۱) "پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران"، بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اردیبهشت ۱۳۶۴.

(۲) آخرین نمونه: اینادعای می توان در شماره ۲۹ (۱۴ آذر ۶۴) "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده مشاهده کرد که در پاسخ به راه کارگرجین می نویسد: "باجسارت انقلابی می توانیم اعلام کنیم و از این نظر در آینده هم با سر - بلندی دفاع خواهیم کرد که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدرستی شعار سرنگونی را با لحظه شناسی و با محتوی غنی سیاسی و انقلابی مطرح کردند".

(۳) توده ایها این استدلال را به ساده ترین و خلاصه ترین نحو در اعلامیه بمناسبت فراراندوم برای تعیین نام جمهوری اسلامی بیان کرده اند: "... در مورد نام این جمهوری ما بهمان ترتیب که آیت الله خمینی مساله را مطرح می کند، یعنی "جمهوری اسلامی" (چنانکه در گذشته نیز تشریح کرده بودیم) رای مثبت می دهیم، زیرا اولا اصل مطلب محتوی سیاست حکومت هاست ... ثانیا حفظ وحدت نظر و کلمه همه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط کنونی یک امر حیاتی است. "اعلامیه" کمیته مرکزی حزب توده ایران تحت عنوان "حزب توده ایران به جمهوری اسلامی رای مثبت می دهد"، ۱۲ اسفند ۱۳۵۷، تاکید از ماست. به نقل از مجموعه "اسناد و اعلامیه های حزب توده ایران" (از شهریور ۵۷ تا پایان اسفند ۵۸).

(۴) "هدف مقدم کمونیستها همانند همه احزاب دیگر پرولتری است: تبدیل پرولتاریا بیک طبقه، برانداختن سیادت بورژوازی، تسخیر قدرت سیاسی بدست پرولتاریا". مانیفست حزب کمونیست، بخش دوم: "پرولترها و کمونیستها".

(۵) لنین، مجموع آثار، ج ۲۴، ص ۳۸: "قدرت دوگانه".

(۶) مانیفست حزب کمونیست، بخش اول: "بورژواها و پرولترها".

(۷) لنین، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۱۲۱-۲۲: "دریافتهای لیبرالی و مارکسیستی از پیکار طبقاتی".

(۸) همانجا، ج ۹، ص ۱۲۸: "دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک".

(۹) همانجا، ج ۳۲، ص ۸۳: "یکبار دیگر درباره اتحادیه های کارگری".

(۱۰) برگزیده سه جلدی آثار مارکس و انگلس، ج ۲، ص ۱۸۷: مقدمه انگلس بر "جنگ داخلی در فرانسه".

(۱۱) لنین، مجموعه آثار، ج ۹، ص ۴۴۹: "سرانجام نزدیک است".

(۱۲) برگزیده سه جلدی آثار مارکس و انگلس، ج ۳، ص ۷۰-۳۶۹: لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان.

- (۱۳) مانیفست حزب کمونیست ، بخش دوم : " پرولترها و کمونیستها " .
- (۱۴) برگزیده آثار مارکس و انگلس ، ج ۳ ، ص ۲۷ - ۳۲۶ : " منشاء خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت " .
- (۱۵) همانجا ، ص ۳۲۸ .
- (۱۶) هال درپیر : تئوری انقلاب کارل مارکس ، ج ۱ ، ص ۴۹۹ .
- (۱۷) برگزیده آثار مارکس و انگلس ، ج ۲ ، ص ۲۱۹ : " جنگ داخلی در فرانسه " .
- (۱۸) برگزیده آثار مارکس و انگلس ، ج ۳ ، ص ۲۶ : " نقد برنامه گوتا " .
- (۱۹) لنین ، ج ۲۵ ، ص ۶۵ .
- (۲۰) لنین ، ج ۲۴ ، ص ۱۸۱ : " میلشای کارگری " ، تأکیدات از خود لنین است .
- (۲۱) لنین ، ج ۲۴ ، ص ۲۳۹ : " گزارش در باره وضعیت جاری " به هفتمین کنفرانس سراسری حزب بلشویک ، آوریل ۱۹۱۷ .
- (۲۲) برگزیده آثار مارکس و انگلس ، ج ۳ ، ص ۲۶ : " نقد برنامه گوتا " .
- (۲۳) لنین ، ج ۳۱ ، ص ۱۴۹ : " بیش نویس تزه های مربوط به مسائل ملی و مستعمراتی " .
- (۲۴) همانجا ، ص ۲۴۱ : " گزارش کمیسیون مسائل ملی و مستعمرات " به کنگره دوم کمیته ترن " .
- (۲۵) مثلاً راولیانفسکی یکی از برجسته ترین تدوین کنندگان تئوری " دموکراسی ملی " ، در مقاله ای با عنوان " درباره حبه متحد ضد امپریالیستی نیروهای مترقی در کشورهای آزاد شده " (مندرج در مجله " اقتصاد جهانی و مناسبات جهانی " شماره ۹ ، سال ۱۹۷۲ ، ترجمه حزب توده) ، ضمن برشمردن معیار تشخیص گرایشهای چپ و راست بلوک دموکراسی ملی ، بخش دولتی اقتصاد را آشکارا غیر سرمایه داری تلقی می کند و در مقابل راه سرمایه داری قرار می دهد : " بعد از استقرار حکومت دموکراسی ملی ، قشر بندی سیاسی و طبقاتی در آن تسریع می شود زیرا در این مرحله با وظیفه حل مسائل اساسی کشور ، تدوین یک مشی سیاسی معین و اجرای این مشی روبروست . برای متقاعد شدن کافی است که برخی از مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی را طرح کنیم . چه کسی از اجرای اصلاحات پیگیر ارضی به نفع دهقانان حمایت می کند و چه کسی آن را با تاخیر می اندازد ؟ چه کسی هوادار همکاری همه جانبه با دولت های سوسیالیستی است و چه کسی در درجه اول از تکامل مناسبات با غرب سرمایه داری هواداری می کند . چه کسی تقویت بخش دولتی را عامل استقلال و ترقی می شمارد و چه کسی راه سرمایه داری را مرحله می داند ؟ چه کسی کوشش می کند که در شعور توده ها عناصر معرفت سوسیالیستی را رخنه دهد و چه کسی هوادار جدائی طلبی و ناسیونالیسم است و برای مبارزه با تعصب مذهبی و آنتی کمونیسم قدم بمیدان می گذارد ؟ " (تأکیدات از ما ست) .
- (۲۶) لنین ، ج ۳۱ ، ص ۲۴ - ۲۳ : " کمونیسم چپ - بیماری بیگانه " ، بخش دوم .

(همه تاکیدات از لنین هستند) .

(۲۷) نشریه "مردم" شماره ۷، دوره ششم، مهرماه ۱۳۴۴؛ (تاکیدات از ماست) .

(۲۸) منبع یادشده در زیرنویس ۲۵ .

(۲۹) لنین، ج ۳۱، ص ۵۰ - ۱۴۹؛ "پیش‌نویس‌نژهای مربوط به مسائل

ملی و مستعمراتی" .

(۳۰) ثی.ا.ج. کار؛ "انقلاب بلشویکی"، ج ۳، ص ۲۵۷ . همچنین مراجعه کنید به

"اندیشه‌های" نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی، شماره ۵، دی ۶۴،
ملاحظات در باره "انترناسیونال سوم و مسأله شرق" . در "ضمیمه شماره ۲" این
مقاله متن نژهای پیشنهادی رؤی وحک و اصلاحاتی که توسط لنین در آنها صورت
گرفته بطور کامل آورده شده است که جهت تاکیدات او را در مسأله مورد بحث ما
بخوبی نشان می‌دهد .

(۳۱) نژهای الحاقی مصوب کنگره دوم درباره مسائل ملی و مستعمراتی (که

از طرف رؤی پیشنهاد شده بود) اساساً ناظر بر همین گروه از کشورها بود . اظهار
نظر استالین در این مورد کاملاً صراحت دارد: "... در باره سازماندهی شوراهای
به قطعنامه داریم که بوسیله کنگره دوم کمینترن تصویب شده است: نژهای لنین
درباره تشکیل شوراهای غیرکارگری دهقانان در کشورهای عقب مانده، نژهای رؤی
درباره تشکیل شوراهای کارگران و دهقانان در کشورهای مانند چین و هند، و
نژهای ویژه در باره "اینکه" کی و تحت چه شرایطی شوراهای نمایندگان کارگران
می‌توانند تشکیل شوند". نژهای لنین به تشکیل شوراهای غیرپرولتری،
"دهقانان" و "خلق" در کشورهای مانند کشورهای آسیای میانی ناظر است که در آنها
پرولتاریای صنعتی اصلاً وجود ندارد، در نژهای لنین یک کلمه هم درباره تشکیل
شوراهای نمایندگان کارگران در چنین کشورهایی گفته نشده است . بعلاوه بنابه
نژهای لنین یکی از شرایط اساسی گسترش و تشکیل شوراهای "دهقانان" و "خلق"
در کشورهای عقب مانده، عبارتست از حمایت مستقیم پرولتاریای اتحاد شوروی از
انقلاب چین کشورهایی . روشن است که این نژها به چین یا هند ناظر نیستند - که
در آنها حداقل معینی از پرولتاریای صنعتی وجود دارد و تحت شرایط معینی ایجاد
شوراهای کارگران پیش شرطی برای تشکیل شوراهای دهقانان هستند - بلکه ناظر به کشورهای
عقب مانده تری مانند ایران و غیره می‌باشند . نژهای رؤی عمدتاً ناظر به چین
و هند هستند که در آنها پرولتاریای صنعتی وجود دارد ...". استالین، مجموعه آثار،
ج ۹، (پاپ انگلیسی): "انقلاب در چین و وظائف کمینترن"، سخنرانی در هفتمین پلنوم
کمیته اجرایی کمینترن، ۲۴ مه ۱۹۲۷ .

(۳۲) منبع یادشده در زیر نویس ۲۵ .

(۳۳) لنین ج ۲۲، ص ۴۱ - ۳۴۰: "جمع بندی بحث درباره تعیین سرخوشت"

(تاکیدات از لنین) .

(۲۲) لنین، ج ۲۹، ص ۱۷۱: "کنگره هشتم حزب بلشویک: گزارش درباره برنامه حزب ۱۹ مارس ۱۹۱۹".

(۲۵) به نقل از در

(۲۶) منبع یادشده در زیر نویس ۲۵، (تاکیدات از نگارنده).

(۲۷) برگزیده آثار مارکس و انگلس، ج ۲، ص ۳۵: "نامه مارکس به شوابیتزر درباره پروودون"، (تاکید از مارکس).

(۲۸) لنین، ج ۶، ص ۴۸: "یادداشتها در باره دومین پیش نویس برنامه پلخانتف"، (تاکیدات از لنین).

(۲۹) لنین، ج ۱۵، ص ۲۶۱: "ملاحظات در باره پاسخ ماسلف"، (تاکیدات از لنین).

(۴۰) برگزیده آثار مارکس و انگلس، ج ۱، ص ۱۱۷: "مانیفست کمونیست".

(۴۱) همانجا، ص ۲۲۸: "مبارزات طبقاتی در فرانسه" بخش دوم.

(۴۲) لنین، ج ۶، ص ۷۴: "ملاحظات اضافی درباره پیش نویس برنامه کمیته" (تاکیدات از لنین).

(۴۳) برگزیده آثار مارکس و انگلس، ج ۱، ص ۴۷۹: "هیجدهم برومر لوئی-بناپارت"، بخش هفتم.

(۴۴) لنین، ج ۲۵، ص ۹۴: "منشاهای طبقاتی کاپیونیاک های حال و آینده".

(۴۵) انگلس می گوید: "واکنش قدرت دولتی بر تکامل اقتصادی به نسوع می تواند باشد: می تواند در همان جهت حرکت کند، و در آن صورت تکامل سریع تر است؛ می تواند با خط تکامل مقابله کند، در این حالت امروزه در میان هر خلق بزرگ و در درازمدت (دولت) متلاشی می گردد؛ می تواند تکامل اقتصادی را از پیشروی در خطوط معینی بازدارد و در خطوط دیگری هدایت کند. این حالت نهایتا خود را بیکی از دو حالت پیشین تبدیل می کند. اما بدیهی است که در حالت دومی قدرت سیاسی می تواند صدمه زیادی به تکامل اقتصادی وارد سازد و موجب هر رفتن انرژی و مصالح زیادی گردد". برگزیده آثار مارکس و انگلس، ج ۳، ص ۹۲-۹۱: "نامه انگلس به اشویت، اکتبر ۱۸۹۰".

(۴۶) لنین، ج ۱۸، ص ۴۹۵: "نتایج انتخابات".

(۴۷) مارکس در هیجدهم برومر در باره معامله ای که رژیم لوئی بناپارت با دهقانان فرانسه کرد، می گوید که فرانسه از زمان لوئی چهاردهم آن چنان آزاردهقانان را بخود ندیده بود، آزاری که بواسطه کارهای عوام فریبانه لوئی-بناپارت صورت می گرفت.

(۴۸) منبع یادشده در زیر نویس ۲۵، (تاکیدات از نگارنده).

(۴۹) همانجا.

(۵۰) ر. اولیانفسکی، "دو مقاله درباره راه رشد غیر سرمایه داری" ترجمه

فارسی، ص ۲۴، (تاکیدات از نگارنده).

- (۵۱) برگزیده آثار مارکس و انگلس، ج ۳، ص ۹۴؛ نامه سرگشاده مارکس و انگلس به بیل و...
(۵۲) لنین، ج ۹، ص ۲۹ و ۲۵: "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک"، (تأکیدات از نگارنده).

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بیان ورشکستگی پوپولیسم بورژوا فرمیستی

(نگاهی به عنایات طیف راست: حزب توده، سازمان فدائیان خلق ایران -

اکثریت، سازمان فدائیان خلق)

بابا علی

www.KetabFarsi.com

۹- طیف راست در اپوزیسیون و معنای عملی و تئوریک تئوری "استحاله"

امروزه توده ایها و فدائیان اکثریت هم جناح فرخ نگهدار و هم جناح کشتگر به صفوف اپوزیسیون رانده شده اند، این را آنان بیش از همه مدیون روحانیت حاکم هستند که حتی در قید ائتلاف پایدار با بورژوا فرمیسیم نیز نبود، حقیقت آن است که روشنفکران خرده بورژوا هنوز معنای ائتلاف پیشین روحانیت حاکم با خود و "قهر و غضب" کنونی شان را در نیافته اند و چنان از ضربه "خائنانه" روحانیت حاکم به خود دچار گیجی و پریشانی شده اند که تازه بتدریج به خود آمده اند که گویا "استحاله‌ای" رخ داده است و این روحانیت حاکم امروز آن متحد ضدامپریالیست خلقی دیروز نیست! پس ائتلاف روحانیت حاکم با فرمیستهای بورژوا علیه انقلاب جزء سابقه، ضدامپریالیستی و انقلابی متحد خلقی به حساب آمد و بی نیازی همین ضداانقلاب بنا بر تیمستی مذهبی به فرمیستهای بورژوا پس از سرکوب کلیه دستاوردهای انقلاب توده‌ای بهمین، استحاله، ضد خلقی روحانیت حاکم قلمداد شد، بدین ترتیب تئوری من درآوردی "استحاله" باید سهمی دوگانه برای وجدان و روحیه "زخم - خورده" (اصطلاح کشتگریون) فرمیستهای بورژوا ایفا کند: از یکطرف این تئوری آب تپهیر بر کلیه همدستی‌ها و هم پیمانی‌های این جماعت با روحانیت حاکم در دوران "ائتلاف خلقی" می‌ریزد و از طرف دیگر دلیل فروپاشی این ائتلاف و "فاجعه" بزرگ را برای اذهان اعضاء و هواداران این جریان‌ات "توجیه" می‌نماید، اکنون که تئوری استحاله مهیا شده بود، باقی می‌ماند تعیین موعد استحاله، انتخاب موعد برای توده‌ایها و فدائیان اکثریت جناح فرخ نگهدار کارچندان دشواری نبود، لحظه رسیدن رهبران توده‌ای به انتهای خط امام می‌توانست موعد مقتضی برای استحاله روحانیت حاکم محسوب شود، موعدی که با فرمان و تازیانه جلاد جماران مقرر شده بود، از این پس "اسناد" وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیزم آمریکا درجراید حزب توده و

آنچه در اینجا فرعی است همانا همین داستانهای پلیسی است و اما آنچه اصلی است، همانا پوپولیسم فدا میربا لیستی و بیش سوسیالیسم خلقی است که زمینه هم مسلکی فدائیان اکثریت را با حزب توده فراهم آورد. منشأ طبقاتی این بیش پوپولیستی را در نهضت چپ ما باید در وزن سنگین روستفکران خرده بورژوا جستجو کرد.

www.KetabFarsi.com

